

یادداشت

نتیجه سیاست خارجی نامتوازن

روح...سوری

کارشناس مسائل بین الملل

همراهی دو کشور چین و روسیه با موضع کشورهای عرب خلیج فارس در ارتباط با حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه پیش از هر چیز نشان دهنده وضعیتی است که ایران در سیاست خارجی خود در پیش گرفته است. واقعیت این است که جمهوری اسلامی ایران به دلایلی که مستقیماً متاثر از نوع سیاست خارجی انتخابی خود است از کارت‌های چانه‌زنی قدرتمندی برای بازی با دیگران برخوردار نیست و به همین خاطر نیز در نبود چنین کارتهایی اتخاذ این گونه مواضع از سوی دیگر دولت‌ها در قبال ایران خیلی دور از ذهن نیست. مهم‌ترین ابزارهایی که کشورها برای اقناع، چانه‌زنی و اعمال فشار بر دیگران در اختیار دارند را امروزه علاوه بر قدرت نظامی باید در حوزه‌های اقتصاد و سیاست جست و جو کرد. در نظام بین‌الملل کنونی، قدرت اقتصادی امر و انگیزه اصلی کشورها در پیشبرد منافع خود به حساب می‌آید و به همین خاطر نیز راهبردهای سیاست خارجی کشورها عمدتاً بر اساس چشم انداز قدرت اقتصادی و تأثیری که بر اقتصاد آنها می‌گذارد، تدوین می‌شود. متأسفانه ایران در شرایط کنونی به دلیل تحریم‌ها از اهرم‌های اقتصادی مناسب برخوردار نیست که بتواند آن را در جایگاه یک بازیگر تعیین کننده قرار دهد. مقایسه اجمالی اقتصاد ایران با کشورهای منطقه به خوبی نمایانگر این وضعیت خاص خواهد بود. به همین خاطر وقتی پای انتخاب میان ایران و کشورهای عربی منطقه در میان باشد اینکه انتخاب کشورهای مثل چین و روسیه، به جای ایران، کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس باشد قاعدتاً نباید خیلی امر غیرطبیعی به نظر برسد، چرا که کشورهای ثروتمند عربی از اهرم‌های بیشتری برای ارائه به روسیه‌ای که در جنگ اوکراین و تنش فزاینده با غرب قرار گرفته است برخوردار هستند. به خصوص وقتی پای رقابت و تعامل روسیه با آمریکا در سطح جهانی را به میان آوریم نزدیکی به کشورهایی که به‌طور سنتی متحد آمریکا در منطقه محسوب می‌شوند برای روسیه بسیار وسوسه‌انگیز خواهد بود. نمونه واضح این مسأله همکاری‌هایی است که در موضوع تولید نفت میان روسیه و کشوری مثل عربستان در جریان است. برای چین هم که تشنه سرمایه‌گذاری است ثبات سیاسی و بازار بزرگ کشورهای عرب خلیج فارس و مهم‌تر از همه نبود عوامل مزاحمی مثل تحریم‌های آمریکا از مهم‌ترین دلایلی است که این کشورها را از چندین چذاب‌تر از ایران جلوه داده است. اما اینکه چرا کشورهای عربی توانسته‌اند چنین جذابیتی را ایجاد کنند علاوه بر عامل اقتصاد به عامل مهم دیگری نیز مرتبط است و آن توانایی این کشورها در ایجاد نوعی تعادل و توازن در روابط خارجی خود است. مولفه اقتصاد و توانایی ایجاد تعادل در سیاست خارجی البته کاملاً در هم تنیده هستند و متقابلاً بر هم اثر گذار هستند. اقتصاد قدرتمند به این کشورها توانایی بازی بهتر در عرصه خارجی داده و متقابلاً توازن در سیاست خارجی نیز به نوبه خود به تقویت اقتصاد این کشورها باری رسانده است. در مقابل، عدم توانایی ایران برای برقراری یک سیاست خارجی متوازن با تأثیرگذاری منفی اقتصاد باعث شده است تا دیگران در روابط خود با ایران همواره دست بالاتر را داشته باشند. در چنین شرایطی است که روسیه به راحتی قادر است حمایت سیاسی ایران را در جنگ علیه اوکراین با خود همراه کند و هم‌زمان با خیالی آسوده بر یکی از مهم‌ترین موضوعات ژئوپلیتیکی ایران یعنی مالکیت بر جزایر سه گانه دست بگذارد. اینکه چرا شاهد چنین رفتاری از سوی روسیه در برابر ایران هستیم که از قضا موضع همراه جویانه‌ای هم با روسیه در جنگ اوکراین داشته به همان دو عاملی که اشاره شد یعنی جذابیت و توان اقتصادی و راهبردهای حاکم بر سیاست خارجی می‌رسد. بنابراین تا زمانی که شاهد تغییری در الگوی سیاست خارجی خود به دنبال آن تغییر جایگاه اقتصادی کشور نباشیم پاسخ به این سوال که آیا ایران قادر خواهد بود که مانع از تکرار چنین مواضع و رفتارهایی از سوی چین و روسیه شود پاسخی منفی خواهد بود. ایران در حال حاضر نه از آن چنان اقتصاد حائز اهمیتنی برخوردار است که بر رفتار کشورهای مثل روسیه و چین اثر گذار باشد و نه از امتیازهای لازم در سیاست خارجی برای تحت فشار گذاشتن آنها. بنابراین اگر چه اقداماتی مثل اعتراض رسمی ایران و احضار سفیر روسیه یا چین از نظر سیاسی و حقوقی لازم است اما بعید است در تغییر موضع واقعی روسیه و چین اثر گذار باشد. البته برخی در این میان بر لزوم ارائه جنگ اوکراین و یا حتی مسأله تایوان تأکید می‌کنند و آن را عاملی تأثیر گذار بر عدم تکرار موضع روسیه و چین راجع به جزایر سه گانه عنوان می‌کنند که به نظر می‌رسد این مسأله هم بتواند به راهبرد حاکم بر روابط خارجی ایران و فقدان توازن در سیاست خارجی قابل انتظار نیست.

خبر

بسته تحریمی جدید اتحادیه اروپا علیه ایران

آرمان ملی: اتحادیه اروپا روز پنجشنبه به اعمال «تدابیر محدودکننده جدید علیه ایران» با ادعای «حمایت نظامی از سوریه و جنگ روسیه در اوکراین» خبر داده است. در بیانیه منتشر شده از سوی اتحادیه اروپا آمده است که مطابق با تدابیر محدودکننده جدید، اتحادیه اروپا از صادرات قطعاتی که در ساخت و تولید پهپاد به کار می‌روند، به ایران منع شده است. این تدابیر همچنین علیه اشخاصی که حامی برنامه پهپادی ایران بوده یا در آن دخیل هستند، می‌تواند اعمال شود و شامل محدودیت‌های مسافرتی و همچنین توقیف اموال می‌شوند. این تدابیر جدید مکمل سه بسته تحریمی پیشین اتحادیه اروپا علیه اشخاص و نهادهای دخیل در برنامه پهپادی هستند. شورای اروپا همچنین تصمیم گرفت که شش ایرانی را به دلیل آنچه که «حمایت از تهاجم روسیه علیه اوکراین (با استفاده پهپاد) و همچنین حمایت از سوریه (با استفاده از سیستم ضد هوایی)» خوانده بدو لیست تحریمی موجود اضافه کند. اموال افراد تحریم شده بلوکه شده و شهروندان و شرکت‌های اتحادیه اروپا از تبادلات مالی با آن‌ها منع خواهند شد. همچنین تدابیر مسافرتی علیه این اشخاص اعمال خواهد شد و باعث می‌شود که نتوانند وارد خاک اتحادیه اروپا شوند و یا از اراضی این اتحادیه به مقاصد دیگر بروند. در این بیانیه اتحادیه اروپا ادعا شده است، اقدامات امروز، عزم اتحادیه اروپا در پاسخ‌دهی سریع و قاطع به اقدامات ایران را نشان می‌دهد.

پیرمحمد ملازهی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

نباید اجازه بدهیم روسیه با کارت ایران بازی کند



نوع نگاه ایران و روسیه نسبت به هم متفاوت است

رقابت آمریکا و روسیه در خاورمیانه تشدید خواهد شد

باید در سیاست خارجی مانند هند به توازن دست پیدا کنیم

آرمان ملی – احسان انصاری: مواضع و اقدامات اخیر روسیه نسبت به ایران با واکنش‌های مختلفی مواجه شده است. روسیه در حالی که ایران متحد استراتژیک‌وی به‌شمار می‌رود در بیانیه مشترک با برخی کشورهای عربی ادعاهای آنها در باره مالکیت جزایر سه گانه را تأیید کرده است. اتفاقی که با واکنش مقامات ایران مواجه شده است. به نظر می‌رسد شکاف بین غرب و روسیه روز به‌روز در حال عمیق‌تر شدن است. در چنین شرایطی روسیه به دنبال متحدان بیشتری برای خود است و چه‌بسا به دنبال این باشد که در بین کشورهای خاورمیانه نفوذ خود را بیشتر کند. این در حالی است که سرنوشته بحران اوکراین هنوز مشخص نیست و هنوز نمی‌توان به‌صورت دقیق هزینه‌های سیاسی و نظامی که روسیه در این جنگ بر داختر خواهد کرد، را محاسبه کرد. بدون تردید حضور پررنگ روسیه در منطقه خاورمیانه در حالی که آمریکا نیز حاضر نیست به راحتی بایگ‌های خود را در منطقه از دست بدهد بسیاری از معادلات خاورمیانه را تحت تأثیر قرار خواهد داد. «آرمان ملی» برای بررسی این موضوع با پیرمحمد ملازهی، تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

چرا روسیه در حالی که ایران مرادوات نزدیکی با این کشور دارد با کشورهای عربی در مقابل ایران همراهی می‌کند؟ دلیل مواضع اخیر روسیه چیست؟

واقعیت این است که نوع نگاه ایران و روسیه نسبت به یکدیگر متفاوت است و به شکلی که ایران به روسیه نگاه می‌کند روسیه به ایران نگاه نمی‌کند. نگاه حداقل بخشی از حاکمیت در ایران به روسیه به این صورت است که این کشور را متحد استراتژیک ایران می‌دانند. مهم‌ترین دلیل این عده نیز این است که ایران با غرب در وضعیت تخاصم دارد و به همین دلیل روسیه می‌تواند به‌عنوان متحد استراتژیک ایران به شمار برود. این در حالی است که روسیه در مناسبات بین‌المللی خود تلاش می‌کند با کارت ایران بازی کند. به نظر می‌رسد روس‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که اگر برجام به نتیجه برسد مناسبات ایران و غرب اصلاح شود این موضوع ممکن است مناسبات ایران و روسیه را تحت‌الشعاع قرار دهد. در شرایط کنونی روس‌ها با این نگرانی مواجه هستند که برجام به نتیجه برسد و ایران دیگر مانند یک کارت بازی در اختیار روسیه قرار نداشته باشد. حداقل این است که به سمت ایجاد توازن در بین قدرت‌های جهانی حرکت کند.

در شرایطی که روسیه به اوکراین حمله کرده آمریکا تلاش می‌کند

مقاومت مردمی در اوکراین را قوی کند و با کمک‌هایی که به این مقاومت می‌کند روسیه را در یک جنگ طولانی مدت گرفتار کند. در چنین شرایطی روسیه با یک جنگ طولانی مدت مواجه خواهد بود و شرایط مانند دورانی می‌شود که شوروی سابق به افغانستان حمله کرد. من معتقدم استراتژی اصلی آمریکا تجزیه ارضی دوم در خاک روسیه است. اگر روس‌ها در اوکراین زمین‌گیر شوند و در نهایت شکست بخورند هدف آمریکا این خواهد بود که با تحریک قومیت‌هایی که در فدراسیون روسیه قرار دارند و روس نیستند مرحله دوم تجزیه ارضی روسیه را به اجرا بگذارند

واقعیت این است که نوع نگاه ایران و روسیه نسبت به یکدیگر متفاوت است

و به شکلی که ایران به روسیه نگاه می‌کند روسیه به ایران نگاه نمی‌کند. نگاه حداقل بخشی از حاکمیت در ایران

به روسیه به این صورت است که این کشور را متحد استراتژیک ایران می‌دانند. مهم‌ترین دلیل این عده نیز این است که ایران با غرب در وضعیت تخاصم دارد و به همین دلیل روسیه می‌تواند به‌عنوان متحد استراتژیک ایران به‌شمار برود. این در حالی است که روسیه در مناسبات بین‌المللی خود تلاش می‌کند با کارت ایران بازی کند. به نظر می‌رسد روس‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که اگر برجام به نتیجه برسد مناسبات ایران و غرب اصلاح شود این موضوع ممکن است مناسبات ایران و روسیه را تحت‌الشعاع قرار دهد

خاورمیانه همواره یکی از مناطقی بوده که محل مناقشه شرق و غرب بوده و در شرایط کنونی نیز این وضعیت وجود دارد. با اقدامی که روسیه در سوریه انجام داد به نظر می‌رسد هدف روسیه این است که کشورهای که در گذشته جز متحدان اتحاد جماهیر شوروی بودند را دوباره تحت نفوذ خود قرار بدهد. از جمله این کشورها سوریه، یمن، لیبی و عراق است که در گذشته جز متحدان شوروی بودند. روسیه موفق شده سوریه را از چنگ آمریکا خارج کند. هر چند آمریکا حاضر نیست سوریه را ترک کند و در شرایط کنونی نیز بخش‌هایی از نیروهای خود را در سوریه مستقر کرده و به‌صورت کامل سوریه را به روسیه واگذار نکرده است. روسیه در یمن از طریق حوثی‌ها امیدوار هستند که در ساختار قدرت این کشور که در شرایط کنونی طرفدار غرب است تغییر به وجود بیاورند که البته کار ساده‌ای نخواهد بود. روسیه در لیبی نیز تلاش می‌کند که به این هدف خود برسد. روسیه تلاش خواهد کرد کشورهای خاورمیانه که در گذشته در اردوگاه شوروی قرار داشتند و را دوباره تحت حوزه نفوذ خود قرار بدهد. با این وجود آمریکا به‌راحتی منطقه خاورمیانه را به روسیه واگذار نخواهد کرد. در شرایط کنونی آمریکا هدف اصلی خود را شرق آسیا قرار داده و نیروهای نظامی خود را به این سمت حرکت داده است. این در حالی است که خاورمیانه را ترک نکرده و نیروهای نیابتی خود را در این منطقه باقی گذاشته است. آمریکا در پروژه ابراهیم تلاش کرد بین کشورهای عربی و اسرائیل به‌عنوان متحدان خود یک اتحاد استراتژی ایجاد کند. این اتحاد به‌صورت نیابتی بدون حضور آمریکا در منطقه اهداف آمریکا را دنبال خواهد کرد. آمریکا مجبور خواهد بود در اغلب مناطق جهان یارگیری کند که خاورمیانه یکی از این مناطق خواهد بود. شرایط به شکلی است که هم روس‌ها و آمریکایی‌ها تلاش می‌کنند برخی کشورهای خاورمیانه را به‌سوی خود بکشانند و نفوذ بیشتری در این منطقه داشته باشند.

با توجه به این شرایط ایران چگونه می‌تواند معادلات منطقه‌ای را به سود خود تمام کند؟

در ایران دو جریان فکری وجود دارد که در این زمینه تعیین‌کننده است. جریان فکری نخست بر این باور است که به دلیل ضدیتی که ایران با غرب دارد راهی به‌جز اتحاد با روسیه و چین وجود ندارد. جریان فکری دیگری که در ایران وجود دارد معتقد است منافع ملی ایران در بلندمدت به هیچ‌کدام از بلوک‌بندی‌های جهانی تعلق ندارد و به‌ترتیب است. رویکرد مستقلی در عرصه بین‌المللی اتخاذ شود. شعار این جریان فکری نیز همان شعار ابتدای انقلاب یعنی نه شرقی نه غربی است که همچنان بر سررد وزارت امور خارجه حک شده است. ایران باید یک توازن قدرت را با همه قدرت‌های جهانی برآورد. در نظر بگیرد و با همه قدرت‌های جهانی ارتباط داشته باشد. این جریان فکری بر این باور است که اینکه ایران تنها به روسیه و چین اتحاد داشته باشد پاسخ نمی‌دهد. بهترین سیاستی که ایران می‌تواند اتخاذ کند سیاست موازنه منفی است که مورد نظر دکتر مصدق بود و ایشان قصد داشت این دیدگاه را اعمال کند. ایران به همراه پاکستان و افغانستان در منطقه خاورمیانه از اهمیت زیادی برای شرق و غرب برخوردار است.

به همین دلیل در شرایط کنونی دعوای اصلی روی نفوذ روی این سه کشور است. راه درست برای ایران همان است که هند در پیش گرفته است؛ نوعی سیاست متوازن با غرب و شرق. این سیاست با شعار مبنایی انقلاب اسلامی یعنی نه شرقی، نه غربی هم سازگار است. ایران باید ابتکار عمل را همچنان خودش دست داشته باشد و نباید شرایط به‌گونه‌ای پیش برود که دیگر کشورها در مذاکراتی که ایران به دلیل ضدیت با آمریکا در آنها حاضر نیست، منافع ایران را محل معامله خود قرار دهند. در مذاکرات برجام یک ذهنیت اشتباه وجود دارد که باید برجام را در شرایطی به نتیجه برسانیم که ایران تحت هیچ شرایطی با آمریکا وارد مذاکره نشود و این مذاکره به‌صورت نیابتی از سوی روسیه، چین و سه کشور اروپایی انجام شود. این در حالی است که منافع ملی ما ایجاد می‌کند که به‌صورت مستقیم مذاکره کنیم. در زمان دولت آقای روحانی، عمان نقش میانجی‌گری‌اش را به‌خوبی ایفا کرد و دولت ایران هم نگاه منفی‌ای نسبت به مذاکره مستقیم با آمریکا نداشت، اما اکنون آن فضا وجود ندارد و اصولگرایی که قدرت را در دست دارند، شعارشان ضدیت با آمریکاست. از طرفی اگر دولت به‌عنوان دولت برگزیده اصولگرایان بخواهد با آمریکا وارد مذاکره شود، حامیانش در داخل را از دست می‌دهد؛ وگرنه همه می‌دانند از این حالت که ایران و آمریکا به‌صورت مستقیم با یکدیگر مذاکره نکنند فقط طرف‌های دیگر سود می‌برند.

واکنش روسیه به این موضوع چه بوده است؟

مطمئن‌شدن موضوع استفاده روسیه از سلاح هسته‌ای به همین دلیل بوده است. این سخن به معنای این است که اگر روسیه در اوکراین شکست بخورد این احتمال وجود دارد که از سلاح هسته‌ای استفاده کند. اگر این اتفاق رخ بدهد روسیه شرایط را به سود خود تغییر خواهد داد. با این‌وجود حتی اگر روسیه موفق شود همه اوکراین را اشغال کند و یک دولت دست‌نشانده در این کشور سرکار بیاورد باز هم نمی‌توانند اوکراین را حفظ کنند. در شرایط کنونی یک ناسیونالیسم قوی ملی در اوکراین شکل گرفته نشان می‌دهد روس‌ها در این کشور آینده‌ای نخواهند داشت.

در چنین شرایط احتمال طولانی شدن جنگ در اوکراین وجود خواهد داشت. اتفاقی که به سود هیچ‌کدام از این کشورها نیست.

منزوی شدن روسیه چه تبعات منطقه‌ای خواهد داشت و به چه میزان بر معادلات خاورمیانه تأثیر خواهد داشت؟

نگره

حمله همه‌جانبه به آمار

مردم بدون آمار هم

از اوضاع باخبرند

دولت سیزدهم از همان ابتدای حضورش همواره نشان داده‌است که میانه‌چندان خوبی با آمار ندارد. این شرایط البته در حالی است که اوضاع اقتصادی حتی از آن پیش‌بینی که سازمان برنامه و بودجه در آخر دولت حسن روحانی انجام داده بود نیز اکنون بدتر است و به نظر می‌رسد دولتی‌ها راه حل را یابا دیگر در حمله به دولت قبل، دستاوردهای، می‌بینند. فارغ از اینکه به یاد بیاورند نتیجه سرودست شکستن هایشان برای پروژه جراحی اقتصادی تا چه اندازه سفره‌های مردم را کوچک کرده‌است؛ و بخشی از آمارهای ارائه‌شده نیز نتیجه همان رفتار اقتصادی بدون توجه به زمینه‌ها و امکانات آن است. در این شرایط شاید برای بسیاری خبر جابه‌جایی و برکناری رئیس مرکز آمار ایران که در ماه‌های اخیر آمارهای ارائه‌شده از سوی آن، مرجع پژوهش پژوهشگران و گزارش‌های تحقیقی روزنامه‌نگاران بوده‌است دیگر چندان عجیب نباشد و از اساس حتی بسیاری منتظر برکناری و عزل جواد حسین‌زاده، رئیس مرکز آمار ایران از ریاست این مرکز بودند. این جابه‌جایی البته در شرایطی رخ داده‌است که به عقیده بخش زیادی از ناظران اقتصادی و پژوهشگران، مرکز آمار ایران حداقل در دولت دوم روحانی یعنی از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ و بعد از آن در همه دو سال دولت رئیسی سعی کرده بود به‌صورت کاملاً بی‌طرفانه و بدون هیچ جبهه‌گیری و جناح‌بندی سیاسی، آمار را ارائه کند. اما شاید اولین نشانه‌های آشکار در ایجاد اختلاف میان دولت سیزدهم و مرکز آمار ایران در هفته نخست تیرماه به‌طور کامل خود را به رخ کشید زمانی که در تازه‌ترین واکنش وزارت اقتصاد به نقد رسانه‌ها درباره شاخص‌ها، به‌جای آمارهای مرکز آمار ایران، به آمارهای بانک مرکزی اتکا شده بود در حالی که رئیس دولت اعلام کرده بود که تنها مرجع رسمی اعلام آمارهای اقتصادی، مرکز آمار کشور است و قانون نیز بر همین روند تکیه داشته‌است. سوالی که در آن زمان به وجود آمد این بود که چرا به آمارهای بانک مرکزی استناد می‌شود؟

حمله به آمار و ارقام

در همین حال لازم است برای درک چالش آماری در دولت سیزدهم به مسأله تعطیل شدن آمار قیمت مسکن از آبان ماه سال ۱۴۰۱ نیز دقت شود. کما اینکه اکنون دیگر بیش از ۶ ماه می‌شود که آمار تورم و تغییر قیمت‌ها در بازار مسکن توسط دولت منتشر نشده‌است. چندی قبل نیز ابوالفضل وروزی، سرپرست دفتر اقتصاد مسکن وزارت راه و شهرسازی خبر داده بود که توقف انتشار آمار مسکن برای جلوگیری از تورم انتظاری انجام شده است، اما این توضیحات آنقدرها هم برای ناظران اقتصادی توجیه‌کننده به نظر نمی‌رسد. چه اینکه دولت از همان زمان توقف انتشار آمار مسکن در اوایل زمستان سال گذشته، اقدام دیگری هم در حوزه آمار انجام داد. این اقدام تغییر اسم پایه محاسبه تورم از سال ۱۳۹۵ به سال ۱۴۰۰ بود. با این کار بدون آنکه تغییری عملی و واقعی در کند شدن سرعت افزایش قیمت‌ها صورت بگیرد، نرخ تورم اعلام شده توسط مرکز آمار کاهش خواهد یافت، چرا که بر این اساس آمار مسکن در بهمن ماه و نرخ تورم بر مبنای قیمت‌های سال ۱۴۰۰ محاسبه خواهد شد و نه سال ۱۳۹۵. بنابراین شکاف قیمت‌های سال پایه تا وضعیت موجود کمتر و نرخ خروجی اعلام شده پایین‌تر خواهد بود. بدین ترتیب بدون آنکه اتفاق مثبتی در خصوص کنترل قیمت‌ها رخ داده باشد، دولت مرکز آمار در ماه ۱۴۰۱ میانگین قیمت هر متر مربع مسکن در تهران را حوالی ۵۵ میلیون تومان اعلام کرد؛ عددی که نشان از تورم ۵۴ درصدی داشت. قیمت مسکن، اما در این عده‌ها متوقف نشد و دستارستانی که گذشت، هم‌زمان با افزایش قیمت دولت، قیمت مسکن هم افزایش یافت. بعد از آن موعد با ادامه افزایش قیمت از در ایران، محاسبات غیر رسمی نشان از آن داشت که تورم مسکن در ابتدای سال ۱۴۰۲ از مرز ۶۰ درصد هم گذشته است. اما در این میان شاید یکی از جدی‌ترین اختلافات میان آمار ارائه‌شده مرکز آمار ایران و دولت را باید مربوط به آمار بیکاری در کشور دانست؛ وقتی که رئیس‌جمهور وعده ایجاد یک میلیون شغل را مطرح کرد و در مقابل، مرکز آمار ایران در آخرین گزارش خود نشان داد که تنها کمی بیش از ۲۶۲ هزار اشتغال‌خالص در کشور ایجاد شده‌است. جالب اینکه این عدم ارائه آمار و البته ارائه آمار متناقض در نهایت صدای رسانه‌های اصولگرا را نیز بلند کرد.

مردم بدون آمار هم از اوضاع کشور

باخبرند
به نظر می‌رسد مشکلات دولت سیزدهم با آمار و پژوهش و هر نوع تحقیق و ارزیابی مبتنی بر روندهای پژوهشی و علمی آنقدر جدی است که نه نیازی به مرکز آمار مستقل می‌بیند، نه اعتقادی به ارائه آمار مستقل بانک مرکزی دارد و نه نیازی به یکی از مهم‌ترین مراکز پژوهشی استراتژیکی وابسته به خود یعنی مرکز بررسی‌های استراتژیک احساس می‌کند، در غیر این صورت به این راحتی مدیر مرکز آمار ایران که با انتخابات به کرسی ریاست مرکز آمار ایران رسیده بود را عزل نمی‌کرد. دولت تا اینجا نشان داده تر جیح می‌دهد آمار میلی ارائه کند، اما از یاد برده‌است که شهروندان ایرانی، حقیقت را با همه وجود می‌بینند و لمس می‌کنند و گاه این شهروندان برای لمس واقعیت نیاز به هیچ آماری ندارند.